

تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان براساس شاخص‌های آموزشی

احمد عربشاهی کریزی *

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۰۵

چکیده

در این پژوهش درصدد هستیم تا درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان را براساس شاخص‌های آموزشی تعیین کنیم. روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شهرستان‌های استان هرمزگان است که شامل ۱۳ شهرستان می‌باشد: ابوموسی، بستک، بشاگرد، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی‌آباد، خمیر، رودان، سیریک، قشم و میناب. داده‌ها و اطلاعات شاخص‌های آموزشی، از سالنامه‌ی آماری استان هرمزگان - که از سوی مرکز آمار ایران انتشار یافته - استخراج شده‌است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، از روش مجموع ساده وزنی (SAW) و برای وزن دهی شاخص‌ها از روش آنتروپی استفاده شده‌است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که براساس شاخص‌های آموزشی، ترتیب توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان بدین قرار است: ابتدا شهرستان بندرعباس، سپس شهرستان‌های میناب، رودان، بندرلنگه، حاجی‌آباد، قشم، بستک، جاسک، پارسیان و ابوموسی در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: توسعه، توسعه‌یافتگی، استان هرمزگان، شاخص‌های آموزشی، توسعه‌ی آموزشی، SAW.

۱- مقدمه

توسعه در مقایسه با رشد، ابعاد متفاوتی دارد و همه‌جانبه است. جامعه‌ی توسعه یافته، جامعه‌ای است که در همه‌ی زمینه‌ها توسعه یافته‌باشد، گرچه ممکن است جوامع در روند توسعه از میان ابعاد مختلف نظیر ابعاد اقتصادی، علمی و آموزشی، سیاسی، فرهنگی و ...، بعضی ابعاد را در اولویت قرار دهند. طبعاً یکی از ابعاد مهم توسعه، مقوله‌ی آموزش است. در متن مقاله بیشتر بر این نکته تأکید خواهد شد که علم و آگاهی افراد جامعه، مؤلفه‌ی بسیار مهمی در تحقق ابعاد مختلف توسعه می‌باشد؛ از این رو اهمیت دادن به آموزش و سرمایه‌گذاری لازم در این زمینه، می‌تواند در دستیابی به رشد و توسعه بسیار راه‌گشا باشد.

ما در این مقاله بر مقوله‌ی آموزش و نقش آن در توسعه تمرکز کرده و به نوعی، توسعه‌ی آموزشی را قابل توجه قرار داده‌ایم. همچنین سعی کرده‌ایم تا توسعه‌ی آموزشی را در شهرستان‌های استان هرمزگان مورد بررسی قرار دهیم و درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های این استان را براساس شاخص‌های آموزشی، مشخص و اولویت‌بندی کنیم.

۲- مبانی نظری

در این بخش در قالب مبانی نظری و ادبیات تحقیق، مباحث مختلفی چون مفهوم توسعه، آموزش فراگیر، نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه‌ی فرهنگی جامعه و نقش آموزش در توسعه را از نظر خواهیم گذراند.

۱-۲- توسعه

توسعه از نظر اندیشه‌ورزان علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است. به تعبیر دیگر، توسعه فرآیندی است جامع با هدف افزایش توانایی‌های انسانی و اجتماعی، برای پاسخگویی به خواسته‌های تعریف شده در جوامع بشری. توسعه در لغت، به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگتر شدن است. بنابراین، توسعه کوشش مستمری برای کاهش یا رفع مشکلات و نابسامانی‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. به طور کلی، توسعه فرآیندی است که تجدید سازمان و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را در خود به همراه دارد. توسعه باید علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در برداشته باشد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری، ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم باشد (منافی شرف‌آباد و زمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۸ و ۱۳۷).

کلمه‌ی توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. توسعه اگرچه دارای بعد کمی است، و در پاره‌ای موارد حتی ممکن است مترادف با کلمه رشد تلقی شود، اما در اصل دارای ابعاد کیفی است. در واقع، توسعه دارای ابعاد چندگانه‌ای است که کلمه‌ی رشد فاقد تمامی آن ابعاد است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۱). توسعه‌ی پایدار، به بقای

بشر و رفاه کامل و همه‌جانبه‌ی آن می‌نگرد و با تمام زنجیره‌ها، فرایندهای پویا، منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت‌افزاری جامعه در تعامل است و درصدد است بین حال و آینده، انسان و طبیعت، و عدالت و رفاه بین و درون نسل‌ها تعامل ایجاد کند. اهداف توسعه‌ی پایدار براساس نگرش‌های نسبت به آن، در سه بخش قرار می‌گیرند:

۱- اقتصادی با هدف پیشرفت و کارایی بیشتر؛

۲- اجتماعی با هدف برابری و کاهش فقر؛

۳- اکولوژیکی با هدف منابع طبیعی (محمدپور زرنندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

شکل ۱: اهداف توسعه پایدار (همان: ۱۱۲)

اهداف اقتصادی: رشد، عدالت، کارایی

اهداف اجتماعی: توانمندسازی،
تحرک اجتماعی و هویت
فرهنگی



اهداف اکولوژیکی: یکپارچگی
اکوسیستم، مشارکت، ظرفیت
تحمل، تنوع زیستی و مسائل
سیاره‌ای

۲-۲- آموزش فراگیر

رویکرد آموزش فراگیر به دنبال آن است که تمامی دانش‌آموزان را صرف‌نظر از تفاوت‌ها و سطح توانمندی‌ها، تحت پوشش آموزش مناسب و مؤثر قرار دهد. آموزش فراگیر مبتنی بر فلسفه‌ای است که توانایی‌ها و نیازها را مقوله‌ای طبیعی فرض می‌کند و به جامعه فرصت مسئولیت‌پذیری می‌دهد تا به سوی یادگیری و رشد کل جامعه حرکت کند. فراگیرسازی مستلزم تغییر ساختار نظام آموزشی و اجتماع است و آموزش فراگیر بدان معناست که همه‌ی دانش‌آموزان از جمله آنهایی که ناتوانایی دارند، به نزدیکترین مدرسه‌ی محل سکونت بروند. درواقع، مدارس طرح فراگیر به منظور تأمین نیازهای همه‌ی نوآموزان سازماندهی شده‌اند. بیکر (۱۹۹۵) معتقد است آموزش فراگیر باعث می‌شود تا تمامی کودکان، حتی کودکان دارای نیازهای ویژه از آموزش کارآمد برخوردار شوند (کابینی‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۷).

۳- نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه‌ی فرهنگی جامعه

آموزش و پرورش و فرهنگ همواره با یکدیگر در تعامل بوده‌اند و تأثیر متقابل دارند. ارتباط این دو مقوله به قدری مستحکم است که می‌توان ادعان داشت، نظام آموزشی ماهیت و صبغه‌ی فرهنگی داشته و زمینه‌های تولید و تعالی فرهنگ را مهیا می‌سازد. فرهنگ نیز بقای حیات و تعالی خود را مرهون و وام‌دار نظام آموزشی است؛ از این رو، بی‌جهت نیست کسانی که برای رشد و کمال حقیقی آدمی می‌کوشند و نیز کسانی که قصد انحطاط و زوال انسان‌ها را در سر می‌پروراند، سعی در تسلط و اشراف به دستگاه آموزش و پرورش دارند (منافی‌شرف‌آباد و زمانی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

۳-۱- توسعه و آموزش

به طور کلی، هدف از توسعه بهبود شرایط کلی زندگی مردم است. در هر کشوری اقشار خاصی از مردم هستند که وضعیت زندگی‌شان به مراتب بهتر از دیگران است؛ از این رو، توسعه باید بیشترین توجه خود را به کسانی معطوف دارد که سطح زندگی‌شان مطلوب نیست. این اقشار اغلب اوقات چیزی برای خوردن ندارند، وضعیت مسکن آنها بسیار نامناسب است، تحصیلات اندکی دارند و امکان استفاده از تسهیلات آموزشی برای فرزندان آنان مهیا نیست. آنها امکانات کمی برای اندیشیدن در مورد راه‌های بهبود بخشیدن به شرایط زندگی خویش دارند، یا اینکه به لزوم چنین کاری آگاه نیستند.

هر کشوری در راه توسعه تلاش می‌کند؛ زیرا توسعه هدفی است که اکثر مردم آن را ضروری می‌دانند. پیشرفت اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است ولی تنها عامل نیست، دلیل آن این است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است. توسعه، علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا متضمن تغییرات بنیادی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد حتی آداب و رسوم و اعتقادات است؛ بنابراین توسعه به مفهوم ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر است و به هدف یا وسیله‌ای تغییرات اجتماعی اشاره دارد. توسعه به طور همزمان، دورنمای یک زندگی بهتر - که از نظر مادی مرفه‌تر (جدیدتر) و از نظر تکنولوژیکی، کارا تر است - و مجموعه‌ای از وسایل لازم، برای رسیدن به این دورنما می‌باشد. به طور کلی، باید ادعان داشت که توسعه هم واقعیتهای مادی است و هم حالتی ذهنی که بر حسب آن جامعه از طریق ترکیب فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی، وسایلی را برای به دست آوردن زندگی بهتر تأمین می‌کند.

هر فرایند توسعه، بایستی انتظارات زیر را در برداشته باشد:

- ۱- توسعه باید تغییری برای بهبود شرایط زندگی اکثر مردم باشد.
- ۲- توسعه باید در برگیرنده‌ی مقولاتی از قبیل بهبود سطح زندگی باشد؛ از جمله درآمدهای بالاتر، تأمین اشتغال بیشتر، آموزش بهتر و توجه بیشتر به ارزش‌های فرهنگی، انسانی و ...
- ۳- توسعه باید مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی‌شان یا نیازهای ضروری‌شان از قبیل غذا، مسکن، بهداشت و امنیت مطمئن سازد.
- ۴- توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.
- ۵- مردمی که از توسعه سود می‌برند، بایستی بیشتر از مردمی باشند که از آن متضرر می‌شوند.

۶- توسعه بایستی باعث گسترش دامنه‌ی انتخاب اقتصادی و اجتماعی افراد و ملل شود و از طریق رهایی افراد از قید بردگی و وابستگی، نه تنها نسبت به سایر افراد و کشورها بلکه همچنین نسبت به نیروی جهل و بدبختی بشری به این امر پردازد.

سرمایه‌ی انسانی، آموزشی است که بتواند انسان را در فرایند زندگی اجتماعی از ظرفیت تولیدی بالاتر بهره‌مند سازد و بدون تردید در روند توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری در آن نقش بسیار کلیدی و محوری داشته‌باشد. سرمایه‌ی انسانی شرط لازم توسعه به شمار می‌رود. میردال بیان می‌کند: هر گونه کوششی که بخواهد از راه شرکت فعالان‌هی مردم به آفرینش ملتی یکپارچه بپردازد، نخست باید توده‌ها را باسواد کند. شولتز معتقد است که سرمایه‌ی انسانی، یکی از عوامل مهم توسعه‌ی کشاورزی و فرار از فقر است. شولتز، سرمایه‌ی انسانی و سواد را منبع اصلی رشد کشاورزی دانسته‌است و آن را برای استفاده از تکنولوژی جدید لازم می‌داند. وی معتقد است که کیفیت نیروی انسانی و قابلیت کشاورزان می‌تواند از طریق آموزش در مدرسه، کارآموزی و ... افزایش یابد. بنابراین سواد و سرمایه‌ی انسانی در رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها اهمیت والایی داشته‌است. میان سطوح بالاتر سواد و سطوح بالای توسعه‌ی اقتصادی کشورها، همواره ارتباط مستقیمی وجود دارد. به طور کلی، انتظار بر آن است که مناطق توسعه‌یافته‌تر از سطوح بالاتر سواد و آموزش برخوردار باشند (مصری نژاد و ترکی، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۸۲). یکی از شاخص‌های توسعه‌ی پایدار، درونی کردن مفهوم توسعه‌ی درون و بین نسل‌های جامعه است؛ از این رو، سرمایه‌گذاری در آموزش توسعه‌ای و تربیت انسان‌هایی با شاخصه‌های علم‌گرا، مهارت‌گرا، تغییرپذیر، سیستمی‌نگر، پژوهشگر، خود نظارت و دارای انعطاف ذهنی و تحرک اندیشه، قادر خواهد بود توسعه را در تمامی ابعاد جامعه گسترش و افراد آن را به عنوان اصلی‌ترین عوامل توسعه، به بهترین شکل آموزش دهد و به ارتقای کمی و کیفی جامعه کمک کند. آموزش توسعه‌ی پایدار با وجود اهمیت و تأکید سازمان‌های بین‌المللی بر آن، همچنان در بسیاری از کشورها مغفول مانده و نیازمند توجه بیشتر است (محمدپور زرندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

از دیرباز، آموزش یکی از پایه‌های اصلی و عوامل تعیین‌کننده‌ی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است؛ اما طی سال‌های اخیر که پیشرفت‌های تکنولوژیکی و روش‌های نوین تولید، نظام‌های اقتصادی جهان را دگرگون ساخته و روابط بین آنها را تغییر داده، آموزش در فرایند توسعه نقش مهم‌تری یافته‌است. درحقیقت، ابداع و به کارگیری تکنولوژی‌های نوین و روش‌های جدید تولید، متکی به نیروی کاری است که به خوبی آموزش دیده و از نظر فکری انعطاف داشته‌باشد. این امر، ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در امر آموزش را نشان می‌دهد (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۹).

۴- پیشینه‌ی پژوهش

هدف این تحقیق، بررسی درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان براساس شاخص‌های آموزشی است. طبیعتاً در سایر مناطق و استان‌های کشور نیز پژوهش‌هایی با این موضوع انجام شده‌است که در این قسمت و ذیل عنوان پیشینه‌ی پژوهش، به مرور تعدادی از این پژوهش‌ها می‌پردازیم:

امان‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی

شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی «انجام داده‌اند. این پژوهش، درجه‌ی توسعه‌یافتگی در سطح شهرستان‌های استان خوزستان در بازه زمانی ۱۳۸۹ و ۱۳۷۹ را بر اساس ۸ متغیر آموزشی تعیین کرده‌است. نتایج نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های آموزشی در سال ۱۳۷۹، شهرستان‌های امیدیه و اهواز به ترتیب به عنوان برخوردارترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان و در سال ۱۳۸۹، شهرستان‌های مسجد سلیمان و رامهرمز به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان بوده‌اند.

نایب‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به سطح‌بندی توسعه‌یافتگی خدمات آموزشی در شهرستان‌های استان خراسان شمالی با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره پرداخته‌اند. در این پژوهش ۱۰ متغیر خدمات آموزشی بررسی شده‌است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از بین ۷ شهرستان استان خراسان شمالی، تنها شهرستان بجنورد به عنوان شهرستان توسعه‌یافته (سطح فرابرخوردار) و شهرستان‌های شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، شهرستان‌های در حال توسعه (سطح برخوردار) به شمار می‌آیند. همچنین شهرستان فاروج، شهرستان توسعه‌نیافته (سطح نیمه برخوردار) قلمداد می‌شود. در سطح نابرخوردار نیز شهرستان‌های جاجرم و گرمه قرار دارند.

رهنمایی و پورخداداد (۱۳۹۴)، درجه‌ی توسعه‌یافتگی آموزشی شهرستان‌های استان گیلان را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش براساس ۹ گروه از متغیرهای آموزشی و با استفاده از روش تاپسیس، ۱۶ شهرستان استان گیلان سطح‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهرستان‌های رشت، سیاهکل، رودبار و رودسر، دارای سطح مطلوبی از برخورداری آموزشی هستند و بیشترین سطح توسعه‌یافتگی آموزشی در کل استان، مربوط به شهرستان رشت و کمترین سطح توسعه‌یافتگی، مربوط به شهرستان بندرانزلی است. همچنین ۵/۶۲ درصد از شهرستان‌های استان گیلان در گروه توسعه‌نیافته، ۵/۱۲ درصد در سطوح کمتر توسعه‌یافته و ۲۵ درصد در گروه توسعه‌یافته‌ی آموزشی قرار دارند.

مصری‌نژاد و ترکی (۱۳۸۳)، به تعیین درجه‌ی توسعه‌نیافتگی آموزشی استان‌های ایران با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی پرداخته‌اند. این پژوهش ۸ شاخص آموزشی را مبنا قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که استان خراسان و سیستان و بلوچستان به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های کشور در سال ۱۳۸۰ بوده و در سال ۱۳۷۰ از نظر درجه‌ی توسعه‌یافتگی آموزشی، دو استان یزد و کردستان به ترتیب برخوردارترین و غیر برخوردارترین استان‌های کشور بوده‌اند. سامری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با استفاده از تحلیل شاخص‌های آموزشی، به تبیین نابرابری‌های آموزشی مناطق ۲۴ گانه‌ی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بین مناطق آموزشی استان، نابرابری وجود دارد و از ۲۴ منطقه‌ی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، منطقه‌ی بوکان به

عنوان برخوردارترین و منطقه‌ی صومای برادوست به عنوان محروم‌ترین مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی هستند. بیشترین میزان نابرابری، در شاخص‌های دانش‌آموزی و کمترین میزان نابرابری، در شاخص‌های پیشرفت تحصیلی بوده‌است. شاخص‌های امکانات دانش‌آموزی، بیشترین تأثیر و شاخص‌های امکانات فیزیکی، کمترین تأثیر را بر نابرابری مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی داشته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در پیشگویی نابرابری مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، بخش شاخص‌های اقتصادی بیشترین و شاخص نیروی انسانی کمترین تأثیر را دارند.

ملکی و همکاران (۱۳۹۲) طی پژوهشی، به سطح‌بندی توسعه‌ی آموزشی در شهرستان‌های استان خوزستان پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که توزیع فضایی توسعه‌ی آموزشی در سطح شهرستان‌های استان خوزستان، بسیار نابرابر بوده و در تضاد کامل با عدالت فضایی است. این نابرابری در دو سطح جغرافیایی و جمعیتی دیده می‌شود؛ در بعد جغرافیایی، اغلب شهرستان‌های توسعه‌یافته از نظر آموزشی در شرق استان واقع شده‌اند. در سطح جمعیتی نیز شهرستان‌هایی به توسعه‌ی آموزشی بیشتری رسیده‌اند که از جمعیت کمتر و میزان شهرنشینی پایین‌تری برخوردارند. جمینی و همکاران (۱۳۹۴)، سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان را در زمینه‌ی شاخص‌های آموزشی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش ۳۳ شاخص، ملاک ارزیابی بوده‌است. نتایج پژوهش علی‌رغم نشان دادن شکاف و نابرابری شهرستان‌های استان اصفهان در برخورداری از شاخص‌های آموزشی، حاکی از این بود که سه شهرستان تیران، کرون و خوانسار، بالاترین رتبه‌ها و سه شهرستان نطنز، برخوار و فلاورجان، پایین‌ترین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، نتایج نشان داد به لحاظ برخورداری از شاخص‌های آموزشی سطح توسعه، فضای توسعه‌ی غالب بر استان اصفهان محروم است؛ زیرا حدود ۵۷ درصد شهرستان‌های استان در سطح محروم، حدود ۱۷ درصد در سطح بسیار برخوردار و برخوردار و ۲۶ درصد شهرستان‌ها در سطح متوسط قرار دارند.

تقی‌پورظهیر و ضامنی (۱۳۸۵) در پژوهشی ضمن بررسی ریشه‌های توسعه‌نیافتگی در نظام آموزش و پرورش، به ارائه‌ی مدلی برای توسعه‌ی این نظام پرداخته‌اند. در این پژوهش شاخص‌های اصلی توسعه‌نیافتگی نظام آموزش و پرورش، در هفت مؤلفه تعیین شده‌است که عبارتند از: توسعه‌ی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، توسعه‌ی جهانی، توسعه‌ی اقتصادی، کیفی، فرهنگی، اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی. نتایج تحقیق نشان داد: برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در ارزش‌های علمی، پژوهشی، تکنولوژی، آموزش و پرورش، گسترش ارتباطات جهانی و پذیرا بودن نوآوری‌ها، سرمایه‌گذاری در ارزش‌های علمی، پژوهشی، تکنولوژی، آموزش و بهداشت و توجه به کیفیت آموزش، تمرکززدایی نظام آموزش و پرورش و تولید فرهنگ و ارزش‌ها متناسب با نیاز توسعه می‌باشد. اکبری (۱۳۹۴)، به تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه‌ی آموزشی در مناطق شهری

و روستایی کهگیلویه و بویراحمد پرداخته‌است. در این پژوهش از ۲۴ نماگر شهری و روستایی استفاده شده‌است. نتایج تحقیق با بهره‌گیری از روش تقسیم بر انحراف معیار نشان داد که یاسوج در رتبه‌ی اول، دهدشت و سی‌سخت در رتبه‌های دوم و سوم و گچساران، چرام، بهمئی، باشت، مارگون، چاروسا، لوداب، دیشموک و لنده به ترتیب در رتبه‌های چهارم تا دوازدهم استان قرار دارند. ضریب ویژگی نشان داد که یاسوج از نظر برخورداری از نماگرهای آموزشی، در رتبه‌ی اول استان و دهدشت، گچساران، سی‌سخت، بهمئی، چرام، باشت، چاروسا، مارگون، لوداب، دیشموک و لنده به ترتیب در رتبه‌ی دوم تا دوازدهم قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق با تکنیک مک گرانهان، نشان می‌دهد که یاسوج در رتبه‌ی نخست استان قرار داشته‌است. دهدشت و سی‌سخت در رتبه‌های دوم و سوم و گچساران، چرام، بهمئی، باشت، چاروسا، مارگون، لوداب، دیشموک و لنده به ترتیب در رتبه‌های بعدی استان قرار دارند.

۵- جامعه‌ی آماری پژوهش

جامعه‌ی آماری این پژوهش، استان هرمزگان است که در ادامه برای آشنایی بیشتر با آن، توضیحاتی آورده می‌شود. هرمزگان از کلمه «هرمز» گرفته شده‌است و پسوند «گان» انتساب این منطقه به هرمز را می‌رساند. املای صحیح هرمز به صورت «هرموز» و نوشتن آن بدون «واو» یک اشتباه رایج است. هرموز از دو جزء «هور» که صحیح‌تر آن «خور» به معنی خلیج، لنگرگاه، مرداب و دره است و جزء دوم «موز» که به نظر می‌رسد همان میوه‌ی معروف موز باشد، تشکیل شده‌است. بر اساس شواهد تاریخی محل اصلی هرمز منطقه‌ای نزدیک میناب فعلی بوده که شهر میناب فعلی بر روی خرابه‌های آن بنا شده‌است (www.daryanews.ir).

جدول ۱: اطلاعات پایه‌ای استان براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران)

جمعیت	متوسط رشد سالانه	سهم از جمعیت کشور	میزان شهرنشینی	درصد باسوادی	بعد خانوار
۱۵۷۸۱۸۳ نفر	۲/۳۷ درصد	۲/۱۰ درصد	۵۰/۰ درصد	۸۳/۷ درصد	۴/۰ درصد

استان هرمزگان، جنوبی‌ترین استان ایران، در ساحل خلیج فارس و دریای عمان با مساحتی حدود ۶۸ هزار و ۴۷۶ کیلومترمربع قرار دارد (www.hormozban.ir). استان هرمزگان، در جنوب ایران به صورت نوار باریکی از شمال غربی به طرف جنوب شرقی امتداد یافته و در سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان بین ۲۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۲۸ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی، و ۵۲ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی مسلط بر تنگه‌ی هرمز گسترش یافته‌است. هرمزگان از شمال و شمال شرقی با استان کرمان، از شمال غربی و مغرب با استان‌های فارس و بوشهر، از شرق با استان سیستان و بلوچستان همسایه بوده و جنوب آن را آب‌های گرم خلیج فارس

و دریای عمان در نواری به طول تقریبی ۹۰۰ کیلومتر در بر گرفته است. نوار ساحلی استان با احتساب جزایر به ۱۵۰۰ کیلومتر نیز می‌رسد (www.ho.mefa.ir).

جدول ۲: تقسیمات استان هرمزگان در سال ۱۳۹۳ (مرکز آمار ایران)

مساحت	تعداد شهرستان	تعداد شهر	تعداد بخش	تعداد دهستان	تعداد آبادی
۷۰۷۱۲ / ۰۶ کیلومتر مربع	۱۳	۳۸	۳۸	۸۵	۲۲۶۵

جدول ۳: تقسیمات استان هرمزگان طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سال	تعداد شهرستان	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
..... ۱۳۸۵	۱۱	۳۳	۲۲	۸۰
..... ۱۳۸۶	۱۲	۳۴	۲۶	۸۱
..... ۱۳۸۷	۱۳	۳۶	۲۹	۸۳
..... ۱۳۸۸	۱۳	۳۷	۳۲	۸۵
..... ۱۳۸۹	۱۳	۳۸	۳۴	۸۵
..... ۱۳۹۰	۱۳	۳۸	۳۴	۸۵

این استان، اینک دارای ۱۳ شهرستان به نام‌های بندرعباس، میناب، بندرلنگه، بستک، رودان، جاسک، قشم، حاجی‌آباد، پارسیان، ابوموسی، بندرخمیر، بшаگرد و سیریک؛ ۳۲ بخش، ۲۱ شهر، ۸۰ دهستان و ۱۸۴۲ آبادی دارای سکنه است. همه‌ی شهرستان‌های این استان به جز رودان، بستک و حاجی‌آباد مرز دریایی دارند (همان‌جا). از نظر وسعت، بزرگترین شهر این استان «بندرعباس» و کوچکترین آن شهر «هرمز» است (www.daryanews.ir).

جدول ۴: تقسیمات استان هرمزگان به تفکیک شهرستان

نام شهرستان	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
کل	۳۸	۳۴	۸۵
ابوموسی	۲	۱	۲
بستک	۳	۲	۷
بشاگرد	۳	۲	۶
بندرعباس	۴	۴	۱۱
بندرلنگه	۴	۴	۸
پارسیان	۲	۲	۴
جاسک	۲	۱	۵
حاجی آباد	۳	۳	۶
خمیر	۲	۲	۴
رودان	۴	۳	۱۰
سیریک	۲	۱	۴
قشم	۲	۴	۷
میناب	۴	۳	۱۱

شکل ۲: نقشه‌ی تقسیمات استان هرمزگان



استان هرمزگان یکی از ۷ استان ساحلی کشور با مساحتی بالغ بر ۷۱ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی معادل یک میلیون و چهارصد هزار نفر، در جنوبی‌ترین نقطه‌ی کشور در طول سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان واقع شده‌است. استان

هرمزگان به دلیل داشتن بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر نوار ساحلی که ۹۰۰ کیلومتر مربوط به هم مرزی جنوب استان با آب‌های خلیج فارس و دریای عمان و ۶۰۰ کیلومتر مربوط به کرانه‌ی ساحلی ۱۴ جزیره‌ی استان است - در موقعیت نخست کشور قرار دارد. براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، جمعیت استان هرمزگان ۱۴۰۳۶۷۴ نفر است که از این میزان ۶۶۱۳۲۵ نفر در شهرها، ۷۴۰۶۰۵ نفر در مناطق روستایی و ۱۷۴۴ نفر غیر ساکن می‌باشند (www.hormozganiha.com).

مرکز استان هرمزگان، شهر تاریخی بندرعباس است که امروزه یکی از ۲۰ شهر بزرگ ایران و مرکز فعالیت‌های مهم اقتصادی و تجاری کشور محسوب می‌شود. بندرعباس به عنوان بزرگترین مبادی ورودی و خروجی کشور، در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که بنادر مهم آبادان و خرمشهر مورد تعدی دشمن قرار گرفته‌بود، نقش بسیار ارزنده‌ای در زمینه‌ی نیازهای وارداتی کشور ایفا کرد. این شهر در فصل مشترک خلیج فارس و دریای عمان، روبروی جزایر قشم، هرمز و لارک در فاصله‌ی نزدیک تنگه‌ی استراتژیک هرمز واقع شده‌است و از نظر تأسیسات پیشرفته‌ی خدماتی، زیربنایی و اقتصادی ظرفیت‌های درخور توجهی دارد (www.hormoz.ir). فعالیت عمده‌ی مردم استان هرمزگان بیشتر در زمینه‌ی کشاورزی، ماهیگیری و حمل و نقل دریایی متمرکز است (www.hormozban.ir).

استان هرمزگان از لحاظ جغرافیایی، به دو بخش کوهستانی و جلگه‌ای و ساحلی تقسیم می‌شود. از آنجا که بیش از ۷۰ درصد مساحت این استان را کوه‌ها و ارتفاعات کوتاه و بلند و دشت‌ها و دره‌های مرتفع تشکیل داده‌است، این استان جزو مناطق کوهستانی محسوب می‌شود (همان). در این استان، کوه فارغان با ارتفاع ۳۲۶۷ متر بلندترین کوه استان محسوب می‌شود. کوه گنو نیز با ارتفاع ۲۳۴۷ متر در ۲۰ کیلومتری شهر بندرعباس، قابل رؤیت است (www.ho.mefa.ir). بخش عمده‌ای از مساحت استان هرمزگان را مناطق کوهستانی در برگرفته‌اند و کوه‌های این منطقه ادامه‌ی رشته کوه‌های زاگرس‌اند که به تدریج از شمال شرقی به جنوب شرقی امتداد می‌یابند. ادامه‌ی این رشته همراه با کاهش ارتفاع، به تپه‌ی ماهورهای آهکی، گچی و شنی منتهی شده‌است و به زمین‌های پست ساحلی خلیج فارس و دریای عمان متصل می‌گردد. این ناحیه‌ی پست ساحلی، در اطراف تنگه‌ی هرمز وسعت بیشتری یافته و شرایط مساعدی برای کشاورزی و صیفی به وجود آورده‌است (www.hormoz.ir). آب و هوای استان، از نوع آب و هوای بیابانی کناره‌ای و بیابانی داخلی است و تحت تأثیر توده‌های مختلف هوای شمال غربی و جنوبی قرار دارد و به طور کلی خشک و کم باران است و تابستان‌های طولانی و گرم و زمستان‌های کوتاه و ملایم دارد (www.ho.mefa.ir).

جغرافیای تاریخی استان هرمزگان، با تاریخ و جغرافیای خلیج فارس درهم آمیخته است. تا قرن چهارم پیش از میلاد، مدارک پراکنده‌ای بر پایه‌ی نوشتارهای تاریخ‌نگاری یونانی درباره‌ی خلیج فارس وجود دارد. ظاهراً در دوران بسیار کهن، اقوامی در سواحل

غربی خلیج فارس و دشت‌های جنوبی و غربی ایران می‌زیسته‌اند. شواهدی نیز مبنی بر پیدایش و توسعه‌ی دریانوردی در آن دوران وجود دارد؛ از جمله می‌توان به دریانوردی بابلیان در قرن هفتم پیش از میلاد، در خلیج فارس اشاره کرد. نخستین مدرک قطعی در خصوص دریانوردی در خلیج فارس، به زمان نئارخوس یا نئارک، دریا سالار اسکندر مقدونی، بازمی‌گردد. در سال‌های (۷۵۰ - ۶۶۱ م.) منطقه‌ی خلیج فارس جزء قلمرو خلافت اموی، سپس قلمرو خلافت عباسی (در سال‌های ۱۲۸۵ - ۷۵۰ م.) بوده‌است. از اواخر قرن هشتم میلادی که دوران شکوفایی خلافت عباسی بود، دادوستدهای دریایی رونق بسزایی یافت. در سال (۱۳۰۰ م.) سیف‌الدین، پادشاه بومی بندر هرمز، از ترس حمله‌ی مغول‌ها این بندر را ترک و به جزیره‌ی هرمز (جردم) عزیمت کرد و در آنجا شهر دیگری بنا نهاد. در سال (۱۴۵۳ م.) هنگامی که قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح سقوط کرد، ارتباط زمینی اروپاییان با آسیا گسسته‌شد. در سال (۱۴۹۷ م.) برای اولین بار استعمارگران غربی، به فرمانروایی «واسکو دوگاما» در بنادر خلیج فارس پیاده شدند. در سال (۱۵۰۶ م.) پرتغالی‌ها برای محافظت از منافع پرتغال در برابر تجار مصری و ونیزی، به رهبری «آلفونسو آلبوکرک» با هفت کشتی جنگی جزیره‌ی هرمز را محاصره کردند. بندر هرمز در این زمان، کلید تجاری خلیج فارس محسوب می‌شد (www.hormoz.ir).

استان هرمزگان، از دیرباز محل سکونت نخستین اجتماع‌ها و گهواره‌ی فرهنگی کهن بود که نخستین حکومت‌ها، در کرانه‌های آن به وجود آمده‌است. در کرانه‌ها و جزیره‌های هرمزگان، عرب‌ها، لر‌ها، پارس‌ها، بلوچ‌ها، ترک‌ها و تیره‌های آمیخته به سر می‌برند که در اثر آمیختن، نژاد ویژه‌ای به وجود آورده‌اند. ساکنان محلی بعضی بندرها و جزیره‌های استان هرمزگان، عرب زبانان محلی مستقر در ایران هستند که از دیگر نقاط کشور به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و از نظر ویژگی‌های جسمانی، آنان با عرب‌های همسایه‌ی کشور هیچ گونه شباهتی ندارند. همچنین از دیگر اقوام ساکن در استان هرمزگان می‌توان لر‌ها، لاری‌ها، بلوچ‌ها و مکرانی‌ها را نام برد (www.hormozban.ir).

۶- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و پیمایشی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش استان هرمزگان است که شامل ۱۳ شهرستان می‌باشد. این شهرستان‌ها عبارتند از: ابوموسی، بستک، بшаگرد، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی‌آباد، خمیر، رودان، سیریک، قشم و میناب. به سبب محدود بودن گزینه‌ها در نرم‌افزار و قابل بررسی نبودن بیش از ۱۰ گزینه در آن، شهرستان‌های بشاگرد، خمیر و سیریک در تجزیه و تحلیل‌ها وارد نشده‌اند. برای تحقق هدف پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، از روش مجموع ساده وزنی (SAW) استفاده شد که در ادامه، به تشریح این روش می‌پردازیم.

۱-۶- روش مجموع ساده وزنی (SAW)

این روش یکی از قدیمی‌ترین روش‌های استفاده شده در MADM است (اصغرپور، ۱۳۹۲: ۲۳۲). در این روش پس از تعیین ضریب اهمیت شاخص‌ها براساس نظرات تصمیم‌گیرنده، یا استفاده از روش‌های تعیین وزن مثل آنتروپی‌شانون، بردار ویژه و روش کمترین مجذورات موزون، ضریب اهمیت هر یک از گزینه‌ها را به دست می‌آوریم و بیشترین میزان آنها را به عنوان پزینه‌ی بهینه در نظر می‌گیریم (آذر و رجب زاده، ۱۳۹۳: ۵۹). برای به کارگیری این مدل گام‌های زیر طی می‌شود:

- ۱- کمی کردن ماتریس تصمیم‌گیری؛
- ۲- بی‌مقیاس سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری؛
- ۳- ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها؛
- ۴- انتخاب بهترین گزینه (A^*) با معیار.

$$A = \{A_i | \text{MAX} \sum_{j=1}^n n_{ij} W_j\}$$

به سخن دیگر، در روش SAW گزینه‌ای انتخاب می‌شود (A^*) که حاصل جمع مقادیر بی‌مقیاس شده وزنی آن ($n_{ij} W_j$)، از بقیه‌ی گزینه‌ها بیشتر باشد (مؤمنی و شریفی سلیم، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶).

در این روش باید به نکات زیر توجه کرد:

- ۱- فرض به کارگیری روش فوق، بر استقلال ارجحیت و مجزا بودن آثار شاخص‌ها از یکدیگر است.
- ۲- مطلوبیت کلی شاخص‌ها، قابل تفکیک به مطلوبیت موجود از هر یک از شاخص‌ها فرض شده‌است و بدین صورت از مدل جمع‌پذیر استفاده می‌شود.
- ۳- اگر شاخص‌ها از نظر ارجحیت، مستقل از یکدیگر نبوده و آثار مکمل یا جایگزینی بر روی یکدیگر داشته باشند، از فرم جمع‌پذیری و تفکیک‌پذیری به سختی می‌توان استفاده کرد. در این صورت، حداقل باید از فرم (ترکیبات خطی چندگانه یا ارزشی) یا روش‌های دیگری در آنالیز استفاده شود.
- ۴- به شرط جمع‌پذیری، توابع مطلوبیت جمع‌پذیر را می‌توان جانشین مجموع وزین ساده کرد.
- ۵- استفاده از روش مجموع ساده وزنی، برای مواردی مناسب است که میزان تبادل در بین شاخص‌ها ثابت و برابر با واحد باشد (پورطاهری، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۲).

۲-۶- تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها

در این بخش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها، ابتدا گزینه‌ها و شاخص‌ها تعیین شدند. جامعه‌ی آماری پژوهش، شهرستان‌های استان هرمزگان شامل ابوموسی، بستک، بشاگرد، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی‌آباد، خمیر، رودان،

سیریک، قشم و میناب است؛ اما بدین سبب که بررسی بیش از ۱۰ گزینه در نرم‌افزار امکان‌پذیر نیست، در تجزیه و تحلیل‌ها به شهرستان‌های بشاگرد، خمیر و سیریک پرداخته نشده است. بنابراین، گزینه‌های مورد بررسی عبارتند از: ابوموسی، بستک، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی‌آباد، رودان، قشم و میناب.

در نتیجه برای تعیین شاخص‌های آموزشی و تعیین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، به سالنامه‌ی آماری استان هرمزگان مراجعه و شاخص‌هایی که آمار آن موجود بود، به عنوان شاخص‌های مورد بررسی انتخاب شد. این شاخص‌ها عبارتند از: جمعیت باسوادن ۶ ساله و بیشتر، دانش‌آموزان کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی، کارکنان آموزشی، دفتری و اداری کلیه دوره‌های تحصیلی، دانش‌آموزان دوره‌ی استثنایی، کارکنان آموزشی، دفتری و اداری دوره‌ی استثنایی، دانش‌آموزان دوره‌ی آمادگی، آموزشیاران سازمان نهضت سوادآموزی، سوادآموزان بزرگسال دوره‌ی مقدماتی سازمان سوادآموزی، سوادآموزان بزرگسال دوره‌ی تکمیلی سازمان نهضت سوادآموزی، و آموزش دیدگان مراکز ثابت اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای. در جدول زیر گزینه‌ها، شاخص‌ها و آمار مربوط به آنها به نمایش درآمده است.

جدول ۵: گزینه‌ها، شاخص‌ها و آمار مربوط به آنها

معیارها	گزینه‌ها	جمعیت باسوادان ۶ ساله و بیشتر	دانش آموزان کلیه دوره‌ای تحصیلی ^۲	کارکنان آموزشی، دفتری و اداری کلیه دوره‌های تحصیلی ^۱	دانش آموزان دوره‌ای استثنایی	کارکنان آموزشی، دفتری و اداری دوره‌ای استثنایی	دانش آموزان دوره‌ای آمادگی	آموزشیاران سازمان نهضت سواد آموزی	سوادآموزان بزرگسال دوره‌ای مقدماتی سازمان نهضت سوادآموزی	سوادآموزان بزرگسال دوره‌ای تکمیلی سازمان نهضت سوادآموزی	آموزش‌دیدگان مراکز ثابت اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای
۱۲۷	ابوموسی	۴۷۶۷	۴۲۹	۷۹	۰	۰	۴۲	۰	۰	۰	۰
	بستک	۵۹۲۴۵	۱۶۱۰۲	۱۵۸۹	۱۱۰	۴۰	۰	۴۹	۶۶۷	۱۰۸	۰
	بندرعباس	۴۶۰۴۷۷	۱۱۴۵۸۸	۷۷۹۲	۸۱۷	۳۸۹	۶۰۹۷	۱۵۷	۳۳۷۷	۵۶۶	۲۷۴۲
	بندرلنگه	۹۷۹۹۷	۲۷۳۵۲	۲۱۲۷	۱۷۹	۸۵	۵۵۸	۶۹	۱۱۵۹	۵۸	۳۲۹
	پارسیان	۳۰۹۸۴	۸۴۱۲	۱۰۴۴	۱۱۵	۵۰	۰	۲۰	۱۴۵	۸۵	۳۱۹
	جاسک	۳۰۸۲۸	۱۲۵۰۴	۱۰۸۰	۳۹	۱۸	۷۸	۵۷	۱۵۱۲	۳۰	۳۱۳
	حاجی‌آباد	۴۳۹۱۷	۱۱۷۹۲	۱۳۶۵	۴۵	۱۴	۳۳۶	۱۲۶	۲۰۹۷	۸۸	۲۹۵
	رودان	۸۳۹۵۷	۲۵۲۲۸	۲۵۱۴	۲۴۹	۹۴	۱۳۱۷	۱۰۸	۱۴۳۵	۱۶۳	۲۶۹
	قشم	۸۶۲۸۱	۲۵۷۳۵	۱۸۷۸	۱۳۴	۶۵	۶۶۲	۷۳	۰	۵۷	۲۹۵
	میناب	۱۶۳۸۴۹	۵۵۷۱۳	۴۱۲۷	۳۳۳	۷۱	۲۶۰۲	۲۵۴	۲۱۶۶	۳۱۱	۱۲۲۵

پس از تعیین گزینه‌ها و شاخص‌ها و جمع‌آوری اطلاعات، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش مجموع ساده وزنی (SAW) استفاده می‌شود که مشتمل بر چهار مرحله است:

۱. کارکنان آموزشی، دفتری و اداری دوره‌های کاردانی و تربیت‌معلم در این آمار محاسبه نشده است.
۲. شاغلان به تحصیل دوره‌های کاردانی و تربیت‌معلم در این آمار محاسبه نشده است.

کمی‌کردن ماتریس تصمیم‌گیری، بی‌مقیاس سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری، ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها و انتخاب بهترین گزینه و اولویت‌بندی گزینه‌ها.

یکی از مهمترین کارهایی که باید انجام گیرد، تعیین اوزان شاخص‌ها است که در این جهت از روش آنتروپی استفاده و نتیجه‌ی آن در جدول زیر ذکر شده‌است.

جدول ۶: اوزان شاخص‌ها

وزن	شاخص	شاخص
۰/۰۹۷۹	جمعیت باسوادن ۶ ساله و بیشتر	C 1
۰/۰۸۷۷	دانش‌آموزان کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی	C 2
۰/۰۶۴	کارکنان آموزشی، دفتری و اداری کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی	C 3
۰/۰۹۶۴	دانش‌آموزان دوره‌ی استثنایی	C 4
۰/۱۱۳۵	کارکنان آموزشی، دفتری و اداری دوره‌ی استثنایی	C 5
۰/۱۷۷۶	دانش‌آموزان دوره‌ی آمادگی	C 6
۰/۰۵۷۵	آموزشیاران سازمان نهضت سوادآموزی	C 7
۰/۰۸۰۵	سوادآموزان بزرگسال دوره مقدماتی سازمان نهضت سوادآموزی	C 8
۰/۰۹۱۳	سوادآموزان بزرگسال دوره‌ی تکمیلی سازمان نهضت سوادآموزی	C 9
۰/۱۳۳۶	آموزش دیدگان مراکز ثابت اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای	C 10

پس از بی‌مقیاس‌سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری و ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها، قادر خواهیم بود بهترین گزینه را انتخاب کنیم و به اولویت‌بندی گزینه‌ها بپردازیم.

جدول ۷: اولویت گزینه‌های مورد بررسی

نتیجه	شهرستان‌ها	گزینه
۰/۰۰۴۱	ابوموسی	A 1
۰/۱۰۷۷	بستک	A 2
۰/۹۷۸۱	بندرعباس	A 3
۰/۱۸۹۲	بندرلنگه	A 4
۰/۰۸۷۷	پارسیان	A 5
۰/۱۰۶۹	جاسک	A 6
۰/۱۵۶۵	حاجی‌آباد	A 7
۰/۲۵۱۶	رودان	A 8
۰/۱۴۸۳	قشم	A 9
۰/۴۶۶۵	میناب	A 10

با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان گفت که اولویت شهرستان‌های استان هرمزگان براساس شاخص‌های آموزشی از این قرار است: بندرعباس، میناب، رودان، بندرلنگه، حاجی‌آباد، قشم، بستک، جاسک، پارسیان و ابوموسی.

نتیجه‌گیری

این تحقیق، با هدف تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان براساس شاخص‌های آموزشی انجام شد. در این پژوهش که از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی و پیمایشی است، استان هرمزگان به عنوان جامعه‌ی آماری، انتخاب و شهرستان‌های این استان: ابوموسی، بستک، بشارگرد، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی‌آباد، خمیر، رودان، سیریک، قشم و میناب از نظر توسعه‌ی آموزشی بررسی شد. جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات شاخص‌های آموزشی، مبتنی بر سالنامه‌ی آماری استان هرمزگان است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، از روش مجموع ساده وزنی (SAW) استفاده شد. طی نمودن مراحل روش مجموع ساده وزنی (SAW) و تجزیه و تحلیل‌ها، نشان می‌دهد که سطح توسعه‌یافتگی براساس شاخص‌های آموزشی در شهرستان‌های استان هرمزگان بدین ترتیب است: بندرعباس، میناب، رودان، بندرلنگه، حاجی‌آباد، قشم، بستک، جاسک، پارسیان و ابوموسی.

امید است تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش، مورد استفاده‌ی مدیران در سطح شهرستان‌ها و استان قرار گیرد. یکی از گام‌های اولیه برای آغاز نمودن فرایند رشد و توسعه، آگاهی از شرایط موجود است. یکی از کارکردهای اساسی این تحقیق، تبیین وضعیت موجود سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان هرمزگان

از نظر شاخص‌های آموزشی است. یافته‌های این پژوهش با نشان دادن جایگاه هر شهرستان از لحاظ توسعه‌ی آموزشی، می‌تواند مدیران را به شناسایی نقاط قوت و ضعف رهنمون سازد تا در آینده برای تحقق توسعه و عدالت آموزشی، اقدامات مؤثرتری صورت گیرد.

منابع و مآخذ

آذر، عادل و رجب‌زاده، علی (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری کاربردی رویکرد *MADM*، تهران: نگاه دانش.

اصغرپور، محمدجواد (۱۳۹۲)، تصمیم‌گیری چند معیاره، تهران: دانشگاه تهران.
اکبری، محمود (۱۳۹۴)، «تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه‌ی آموزشی در مناطق شهری و روستایی کهگیلویه و بویراحمد»، فصلنامه‌ی جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره‌ی ۱۵: ۶۹-۸۴.

امان‌پور، سعید؛ اسماعیلی، اعظم؛ جوکار، سجاد (۱۳۹۱)، «تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی»، فصلنامه‌ی آمایش محیط، سال پنجم، شماره ۱۷: ۴۱-۶۱.

پورطاهری، مهدی (۱۳۹۳)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

تقی‌پورظهیر، علی و ضامن‌ی، فرشیده (۱۳۸۵)، «ریشه‌های توسعه‌نیافتگی در نظام آموزش و پرورش ایران و ارائه‌ی مدلی جهت توسعه‌ی آن»، پژوهش‌نامه‌ی تربیتی، شماره‌ی ۱۰: ۱-۴۲.

جمینی، داود؛ سجادی، مسعود؛ شهبازی، زینب؛ امرایی، ایمان (۱۳۹۴)، «بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در زمینه‌ی شاخص‌های آموزشی با استفاده از تکنیک *TOPSIS*، تحلیل خوشه‌ای و *GIS*»، فناوری آموزش، سال نهم، شماره‌ی ۳: ۱۶۹-۱۷۹.

رهنمایی، محمدتقی و پورخداداد، بهناز (۱۳۹۴)، «درجه‌ی توسعه‌یافتگی آموزشی شهرستان‌های استان گیلان»، جغرافیا، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۶: ۴۱-۶۲.

سامری، مریم؛ حسنی، محمد؛ سیدعباس‌زاده، میرمحمد؛ موسوی، میرنجف (۱۳۹۴)، «تبیین نابرابری‌های آموزشی و ارائه‌ی مدل توسعه‌ی آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی (موردشناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی)»، فصلنامه‌ی جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال پنجم، شماره‌ی ۱۴: ۱۰۵-۱۲۲.

کابینی مقدم، سلیمان؛ سیاحی، علی؛ خلخال‌ی، علی (۱۳۸۸)، «بررسی زمینه‌های توسعه‌ی آموزش فراگیر و موانع اجرای آن»، فصلنامه‌ی روانشناسی تربیتی، سال اول، شماره‌ی ۱: ۸۶-۱۰۱.

محمدپورزند، حسین و طباطبایی‌مزدآبادی، سید محسن (۱۳۹۴)، «جایگاه آموزش در توسعه‌ی پایدار شهری»، فصلنامه‌ی اقتصاد و مدیریت شهری، سال سوم، شماره‌ی ۱۰: ۱۱۱-۱۲۵.

مرکز آمار ایران، سالنامه‌ی آماری ۱۳۹۱ استان هرمزگان.

مصری‌نژاد، شیرین و ترکی، لیلا (۱۳۸۳)، «تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی آموزشی استان‌های ایران (تکنیک تاکسونومی عددی)»، مجله‌ی دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال شانزدهم، شماره‌ی ۴ و ۳: ۱۷۷-۱۹۶.

ملکی، سعید؛ احمدی، رضا؛ ترابی، ذبیح‌الله (۱۳۹۲)، «سطح‌بندی توسعه‌ی آموزشی در شهرستان‌های استان خوزستان»، دو فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره‌ی ۴: ۱۶۷-۱۹۷.

منافی‌شرف‌آباد، کاظم و زمانی، الهام (۱۳۹۱)، «نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه‌ی فرهنگی جامعه»، فصلنامه‌ی مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره‌ی ۷۴ و ۷۳: ۱۳۴-۱۵۱. مؤمنی، منصور و شریفی‌سلیم، علیرضا (۱۳۹۱)، مدل‌ها و نرم‌افزارهای تصمیم‌گیری چند شاخصه، تهران: مؤلف.

نایب‌پور، محمد؛ حسینی، معصومه؛ ویسیان، محمد؛ احسان‌زاده، ناهید (۱۳۹۳)، «سطح‌بندی توسعه‌یافتگی خدمات آموزشی با مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان مرزی خراسان شمالی)»، پژوهش‌نامه‌ی مطالعات مرزی، سال دوم، شماره‌ی ۳: ۸۳-۱۰۶.

یزدانی، محمدحسن؛ غفاری‌گیلانده، عطا؛ علیزاده، یوسف (۱۳۹۲)، «بررسی و رتبه‌بندی توسعه‌ی آموزشی نواحی نوزده‌گانه آموزش و پرورش استان اردبیل»، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره‌ی ۴: ۳۷-۶۶.

Simanaviciene, Ruta and Ustinovichius, Leonas (2010), *Sensitivity Analysis for Multiple Criteria Decision Making Methods: TOPSIS and SAW*, Procedia Social and Behavioral Sciences 2: 7743-7744.

Assessment of Development Level in the Hormozgan Province Based on Educational Indicators

A. Arabshahi Karizi ¹

Abstract

The aim of this study was to evaluate development level in the Hormozgan province based on Educational indicators. The present research is applied based on objective and survey-type according to data collection method. The research statistical community is the province of Hormozgan, Includes the cities: Abu Musa, Bastak, Bashagard, Bandar Abbas, Bandar Lengeh, Parsian, Jask, Haji Abad, Khamir, Rudan, Sirik, Qeshm and Minab. We refer to the Statistical Yearbook of Hormozgan province for selection of cultural indicators. The method used in this research is Multiple Attribute Decision Making and specifically the SAW technique. The results show that the city of Bandar Abbas is best, and then Minab, Rudan, Bandar Lengeh, Haji Abad, Qeshm, Bastak, Jask, Parsian and Abu Musa are the next priorities.

Keywords: Development, Hormozgan, Educational Iindicators, Educational Development, SAW.